



## تاریخ علم حدیث در شبه‌قاره هند

دکتر محمود احمد غازی  
ترجمه: محمد شهنازی‌فر

دوازدهم و سیزدهم هجری/هجدهم و نوزدهم میلادی اشاره دارد، زمانی که مسائل عدیده‌ای گریبان‌گیر جوامع اسلامی بود، میراث علمی و فرهنگی مسلمانان در آستانه زوال قرار داشت و مراکز علمی و آموزشی نیز یکی پس از دیگری تعطیل می‌شد؛ در این برهه حساس و سرنوشت‌ساز، علم روایت حدیث نیز رو به اضمحلال می‌رفت. در چنین اوضاعی علمای شبه‌قاره هند آستین همت بالا زدند و با تلاش‌های توان‌فرسا و تحمل زحمات فراوان به علم روایت حدیث حیات تازه‌ای بخشیدند که آثار و برکات آن در سرتاسر جهان اسلام احساس گردید.

و اما دلیل دوم اهمیت این موضوع عبارت است از این‌که تاریخ علم حدیث در شبه‌قاره هند کمتر مورد مطالعه و تحقیق موضوعی (Objective Study) قرار گرفته است. متأسفانه گاه برخی تعصب‌های فکری و مسلکی مانع استفاده ما از علمای برجسته و طراز اول شبه‌قاره در عرصه علم حدیث شده است، کسانی که خدمات ارزشمند علمی‌شان را محققین و علمای بزرگ جهان اسلام اعم از عرب و عجم مورد تحسین قرار داده و از آنها استفاده کرده‌اند. بنده بسیاری را دیده‌ام که به خدمات برخی از علما فقط به این علت اعتنا نکرده‌اند که از نظر گرایش فکری و مسلکی با آنان اختلاف‌نظر داشته‌اند و همین مسئله آنان را از یک سرمایه بزرگ علمی محروم کرده است؛ از این‌رو لازم است که در قالب یک تحقیق موضوعی، خدمات و کوشش‌های تمام محدثین شبه‌قاره هند را که با تحمل زحمات بسیار توانستند چراغ علوم حدیث را در این سرزمین روشن نگه دارند، مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم. تاریخ علم حدیث در شبه‌قاره هند چیزی جدا از تاریخ علمی مسلمانان نیست، بلکه فراز درخشانی از این تاریخ در جنوب آسیاست.

بحث و گفت‌وگو درباره تاریخ علم حدیث در شبه‌قاره هند به دو دلیل حائز اهمیت است: یکم، در شبه‌قاره هند در یک دوره خاص، خدمات شایانی در عرصه علم حدیث صورت گرفته است، و این کوشش‌ها در حدی وسیع و همراه با جامعیت بوده است که تحسین علمای جهان اسلام، به‌خصوص علمای برجسته جهان عرب را برانگیخته است. علامه سید رشیدرضا، از علما و اندیشمندان برجسته و شهیر مصر، در این باره می‌نویسد: «لولا عناية إخواننا علماء الهند بعلم الحدیث فی هذا العصر، لفضی علیها بالزوال من أمصار الشرق، فقد ضعفت فی مصر و الشام و العراق و الحجاز منذ القرن العاشر للهجرة حتی بلغت منتهی الضعف فی أوائل القرن الرابع عشر»؛ اگر کوشش‌ها و عنایت برادران ما علمای هند به علوم حدیث در این عصر نبود، بساط این علوم از سرزمین‌های شرقی اسلامی برچیده می‌شد؛ زیرا در مصر، شام، عراق و حجاز از قرن دهم هجری عنایت به علم حدیث رو به ضعف نهاد و این سیر نزولی تا اوایل قرن چهاردهم به منتهای خود رسید» (مقدمه مفتاح کنوز السنه، ص ۶).

این سخن به وضعیت دنیای اسلام در قرن

است؛ زیرا امام صغانی لاهوری در سال ۶۵۰ هجری وفات یافته است. پس از آن محدثی در استانبول - پایتخت خلافت عثمانی که قریب به هفت قرن مرکزیت سیاسی جهان اسلام در آن قرار داشت - شرحی بر این کتاب نوشت و آن را «مبارق الأظهار فی شرح مشارق الأنوار» نامید که در سال ۱۳۲۸ هجری چاپ و منتشر شد.

در گجرات نیز محدثین بزرگی بودند که خدمات بزرگ و ماندگاری در علم حدیث انجام دادند که از کارهای درخشان آن دوره به شمار می‌آیند. از آن میان، محدث بزرگ شیخ محمدطاهر پتئی (فتنی) را می‌توان نام برد که از میان آثار ایشان دو اثر مهم قابل ذکراند: یکی کتاب «تذکره الموضوعات» که در آن احادیث موضوع جمع‌آوری شده است و چنین کاری در تاریخ شبه‌قاره برای اولین بار به وسیله ایشان صورت گرفته است. و کتاب دوم «مجمع بحار الأنوار فی غرائب التنزیل و لطائف الأخبار» است که به اختصار با نام «مجمع بحار الأنوار» مشهور است. ایشان با جمع‌آوری احادیث صحاح سته و حذف مکررات و ترجمه الفاظ غریب و شرح نکات مهم، گویی صحاح سته را شرح داده است، کاری که شاید نتوان نظیر آن را در جای دیگری یافت.

در گجرات دو محدث دیگر به نام شیخ علی متقی هندی [وفات: ۹۷۵ هـ.ق.] و شاگرد برجسته ایشان شیخ عبدالوهاب متقی نیز می‌زیسته‌اند. اگر گفته شود که شیخ علی متقی هندی بزرگ‌ترین محدث زمان خودش بوده است، سخن گزافی نیست. ایشان از گجرات به مکه مکرمه هجرت کرد و تا پایان حیاتش در آنجا اقامت داشت. از کارهای منفرد و بی‌نظیر ایشان می‌توان به اثر گران‌سنگ «کنز العمال» اشاره کرد که در آن تمام احادیث نبوی که در مجموعه‌ها و کتاب‌های مختلف حدیث به صورت جداگانه آمده‌اند، یک‌جا جمع‌آوری و به ترتیب حروف الفبا مرتب شده‌اند. این کتاب شامل تمام احادیث صحاح سته، مسند امام احمدبن حنبل، معجم طبرانی، مسند ابی‌داود طیلسی و تمامی کتب حدیثی است که در آن وقت در دسترس بوده‌اند. این کتاب چندین بار چاپ شده است که در چاپ‌های قدیمی آن ضبط دقیقی از تعداد احادیث نیامده است، البته بعضی تعداد آنها را ۵۲۰۰۰ هزار حدیث و بعضی کمتر و بعضی بیشتر گفته‌اند.

تدریس حدیث عازم شبه‌قاره شد، اما وقتی به مرزهای هند رسید و شنید که پادشاه آن فردی بی‌نماز و به کارهای خلاف شرع مبتلا است، از ادامه سفر منصرف شد. بنابراین کارهای قابل‌ذکری متعلق به این دوره وجود ندارد، اما در همین برهه از تاریخ، زمانی که بهار علم حدیث در شبه‌قاره گرفتار خزان شده بود، در دو منطقه از این سرزمین، کارهای بزرگی صورت گرفت؛ یکی در پاکستان امروزی در لاهور، و دیگری در منطقه گجرات هند که امروزه نیز مراکز علمی فعالی در آن وجود دارد. در لاهور یکی از محدثین بزرگ به نام «امام حسن بن محمد صغانی لاهوری» زندگی می‌کرد که در زمان خودش یکی از محدثین طراز اول جهان اسلام بود. خدمتی که ایشان به علم حدیث کرد، مورد استقبال دنیای اسلام قرار گرفت و باعث شهرت ایشان شد. بعضی گفته‌اند که ایشان اصالتاً اهل «بدایون» یکی از شهرهای ایالت اترپرادش (یوپی) هند بوده است، و بعضی دیگر ایشان را از اهالی پنجاب دانسته‌اند، اما همه اتفاق‌نظر دارند که ایشان در لاهور زندگی کرده و در آنجا به تدریس و ترویج علم حدیث اشتغال داشته است و در نهایت به سرزمین حجاز و حرمین شریفین هجرت کرده و در آنجا درگذشته است. اثری که از ایشان به‌جای مانده، «مشارق الأنوار النبویة فی صحاح الأخبار المصطفویة» نام دارد که به اختصار با عنوان «مشارق الأنوار» از آن یاد می‌شود. این کتاب چندین قرن به عنوان کتابی مستند در علم حدیث در شبه‌قاره مورد استفاده بوده، در مراکز آموزشی تدریس شده، به اودو ترجمه شده است و شرح‌های متعددی بر آن نوشته‌اند. ترجمه اردوی این اثر یکی از قدیمی‌ترین کتاب‌ها به این زبان است که تقریباً در اواخر قرن دوازدهم یا ابتدای قرن سیزدهم هجری منتشر شده است. «مشارق الأنوار» کتاب قطوری است که در آن فقط متن احادیث قولی صحیحین (بخاری و مسلم) بدون سند جمع‌آوری شده و از آوردن احادیث فعلی و تقریری صرف‌نظر شده است. شاید مصنف با این کار خواسته است اقوال رسول‌الله - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - را بدون هیچ واسطه‌ای و صرف‌نظر از مباحث فنی روایت و سند احادیث به خوانندگان برسانند، تا عموم مردم از آن بهره‌مند شوند. این کتاب در اوایل قرن هفتم، قبل از مشکوٰۃ‌المصابیح نوشته شده

است، در یکی از کتاب‌هایش، اسامی آن‌دسته از صحابه را ثبت کرده است که به هند آمدند و در منطقه سند، ملتان و اطراف آن رفت‌وآمد داشتند. بیشتر از صحابه، علمای تابعین که در میان آنها محدثین نیز بودند به این منطقه آمدند و پایه‌های علم حدیث در شبه‌قاره از زمان تابعین و تبع‌تابعین بنیان نهاده شد.

### ادوار تاریخی علم حدیث در شبه‌قاره هند

دوره اول: این دوره با فتح سند به فرماندهی محمدبن قاسم آغاز شد و تا دست‌یافتن مسلمانان به قدرت سیاسی در دهلی ادامه یافت. در این دوره، روابط علمی مسلمانان هند با دنیای عرب به‌طور عام و سرزمین عراق به‌طور خاص برقرار شده بود. تعداد کثیری از عراقی‌ها و اعراب سرزمین‌های دیگر که در میان آنها علما و محدثینی نیز بودند، به هند آمده و در آنجا سکنا گزیدند و به تعلیم و ترویج علوم نبوی پرداختند. در کتب تاریخی از این عده به تفصیل یاد نشده است، به این علت که کارهای علمی و تحقیقی آن زمان به‌صورت تصنیف و کتاب به نسل‌های بعد نرسیده است.

دوره دوم: وقتی حکومت مسلمانان در دهلی بنیان یافت، خیل عظیمی از علمای بزرگ که در میان آنان متخصصین علم حدیث نیز بودند، به شبه‌قاره سفر کردند. از مشخصه‌های بارز این دوره یکی این است که روابط علمی مسلمانان هند با دنیای عرب دچار ضعف شد، اما در عوض کسانی که از افغانستان، ماوراءالنهر و آسیای مرکزی به شبه‌قاره آمدند، سبب انتقال علوم رایج در آن دیار به هند شدند. در افغانستان و آسیای مرکزی منطق، کلام، علوم عقلی و فقه و اصول فقه رواج بیشتری داشت و به علم حدیث توجه زیادی نمی‌شد؛ این بی‌اعتنایی و بی‌توجهی به هند نیز سرایت کرد و به‌حدی رسید که علم حدیث تقریباً از نظام علمی و آموزشی مراکز علوم دینی شبه‌قاره حذف شد و سرانجام کار به جایی رسید که احساس می‌شد بساط علم حدیث به‌طور کلی از سرزمین هند برچیده شده است. در همین دوران یکی از شاگردان علامه ابن تیمیه به هند آمد و با خود ذخایری از علم حدیث را به این سرزمین آورد، اما پس از مدتی هند را ترک کرد و دوباره به موطنش بازگشت. همچنین محدث دیگری به قصد

از چند سال قبل در کشورهای عربی با اهتمام زیادی روی این کتاب کار می‌شود و محققان به شماره‌گذاری و شمارش دقیق احادیث اهتمام دارند. جستجوی حدیث در این کتاب بسیار آسان است و با اطلاع از الفاظ آغازین هر حدیث، به راحتی می‌توان متن کامل حدیث را در آن یافت، بدون این‌که نیازی به آگاهی از راوی حدیث و منبع اصلی آن باشد. این کتاب برای طلاب و دانش‌پژوهان و نویسندگان و محققین، همچنین برای خطباء و سخنرانان و عامه مردم نیز مرجع بسیار خوب و مفیدی است.

پس از شیخ علی متقی، شاگرد ایشان شیخ عبدالوهاب متقی شخصیت علمی و محدث برجسته گجرات بوده است. ایشان نیز همچون استادش از هند به مکه مکرمه هجرت کرد و در آنجا در سطح وسیعی به ترویج علم حدیث مشغول شد. شیفتگان علم حدیث، برای کسب فیض از محضر ایشان، از اطراف و اکناف سرزمین‌های اسلامی به مکه مکرمه می‌آمدند.

این سه شخصیت (شیخ محمدطاهر پتئی، شیخ علی متقی و شیخ عبدالوهاب متقی) از نام‌دارترین محدثین شبه‌قاره در این دوره بودند که نتایج کوشش‌ها و خدمات آنان در تمام دنیای اسلام قابل مشاهده است.

دوره سوم: آغاز فرمانروایی مغولان  
مسلمانان در شبه‌قاره هند را می‌توان سرآغاز دور جدیدی در تاریخ علم حدیث در شبه‌قاره به شمار آورد. در این مقطع شور و نشاط خاصی در محافل علمی شبه‌قاره نسبت به علم حدیث شکل گرفت. گرچه حکمرانان مغول دخلی در شکل‌گیری این فضا نداشتند و این افتخار از آن آنان نبود، اما از آنجا که این فضا در دوره حکمرانی آنان شکل گرفت، از نظر تاریخی این دوره به آنان نسبت داده می‌شود. در این دوره، دو شخصیت صاحب‌نام وجود داشتند که بدون ذکر آنان تاریخ علم حدیث در شبه‌قاره ناتمام است. این دو شخصیت، شیخ عبدالحق محدث دهلوی [۹۵۸-۱۰۵۲ هـ.ق.] و امام شاه‌ولی‌الله محدث دهلوی [۱۱۱۴-۱۱۷۶ هـ.ق.] هستند. شاه‌ولی‌الله دهلوی کسی است که بدون ذکر نام ایشان تاریخ علم حدیث در جهان اسلام نیز ناتمام است؛ همچنین ایشان «امیرالمؤمنین فی الحدیث» مسلمانان شبه‌قاره هند بودند.

### شیخ عبدالحق محدث دهلوی

ایشان اهل دهلوی بودند و به علت شیفتگی و دلبستگی زیاد به علم حدیث و خدمات ارزنده‌ای که در این زمینه انجام دادند، به «محدث دهلوی» ملقب شدند. شیخ عبدالحق محدث دهلوی در عهد زمامداری اکبرشاه چشم به جهان گشود و در عهد شاه‌جهان دیده از جهان فروبست. جهانگیر و شاه‌جهان حرمت خاصی برای ایشان قائل بودند و توجه ویژه‌ای به ایشان داشتند. جهانگیر از او بسیار متأثر بود؛ یک مرتبه بنابر دعوت جهانگیر در دربار وی حاضر شد. جهانگیر از دیدار با ایشان بسیار متأثر گردید و در روزنامه شخصی‌اش به نام «تزک جهانگیری» که نمونه‌ای از آن تا حال موجود است، در تعریف و تمجید از ایشان نوشت: «چنین شخصیت‌هایی بسیار کم‌اند افرادی مثل ایشان را کمتر یافته‌ام و بنده از رفتار و سلوک و شخصیت ایشان بسیار متأثر شدم».

شیخ عبدالحق محدث دهلوی سه سال از محضر مشایخ حرمین شریفین کسب فیض کرد و سپس به هند بازگشت. احساس ایشان قبل از سفر به حرمین شریفین و همچنین پس از بازگشت از آن سرزمین مبارک، این بود که یکی از بزرگ‌ترین علل سردرگمی مسلمانان هند، عدم ارتباط مستقیم آنان با قرآن و سنت و سیره نبوی است، و چون توجه آنان به علوم عقلی بیشتر است، از این رو آثار خشیت الهی و تعلق مع‌الله که همانا بر اثر ارتباط مستقیم با قرآن و سنت در دل‌ها ایجاد می‌شود، در وجود مردم دیده نمی‌شود. این وضعیت هم‌زمان بود با اوج سرکشی و ترویج افکار الحادی و اسلام‌ستیزانه اکبرشاه در هند؛ همان که علامه اقبال درباره‌اش گفت: تخم الحادی که اکبر پرورید/ باز اندر فطرت دارا دمید. گویی الحاد و بی‌دینی اکبر ضرب‌المثل شده بود؛ چون زمانه اکبر یکی از بدترین ادوار بی‌دینی و الحاد در هند بود که اثرات منفی آن دامن‌گیر جامعه مسلمانان شده بود. در این وضعیت اسف‌بار، شیخ عبدالحق دهلوی یکی از معدود کسانی بود که برای اصلاح جامعه به پا خاست. ایشان برای اصلاح این وضع سه کار بزرگ انجام داد:

۱- دایر کردن حلقه‌های درس حدیث در دهلوی، که از این حلقه‌ها هزاران نفر کسب فیض کردند و توجه توده‌ها و اقشار مختلف

مردم به طرف علم حدیث جلب شد. علاوه بر این، شاگردان ایشان در شهرهای مختلف به ترویج و گسترش علوم نبوی مشغول شدند. سرانجام با دایر شدن حلقه‌های درس حدیث در شهرهای مختلف، فضای نورانی و عطرآگین حدیث نبوی سرزمین هند را فراگرفت.

۲- ایشان با تألیف رساله‌های مختلف در علم حدیث و بیان صفات و ویژگی‌های شاخص نبوی و فضایل مدینه منوره به زبان فارسی، ارتباط مسلمانان را با پیامبر اسلام - صلی‌الله علیه و آله وسلم - محکم کرد و بذر محبت را در دل‌هایشان کاشت.

۳- شیخ عبدالحق دهلوی با نوشتن دو شرح به زبان فارسی و عربی بر کتاب مشهور «مشکوٰۃ المصابیح»، چنان فرهنگ تعلیم و ترویج حدیث را در شبه‌قاره هند نهادینه کرد که بعد از وفات ایشان نیز این نهضت تا چندین قرن ادامه یافت.

شرح‌های ایشان بر کتاب «مشکوٰۃ المصابیح»، یکی شرح مختصر فارسی به نام «أشعة اللمعات فی شرح المشکوٰۃ» است که در آن به ترجمه فارسی احادیث، تشریح مختصر و بیان معانی الفاظ مشکل پرداخته است، و شرح دوم «لمعات التنقیح» است که به زبان عربی و در چندین جلد به چاپ رسیده و قابل استفاده برای علما و متخصصین است و در آن مباحث لغوی، کلامی و فقهی با تفصیل بیان شده است. هدف از نوشتن این کتاب آن بود که علما با استفاده از این کتاب، در علم حدیث مهارت حاصل کنند. این کار او یک کار تاریخ‌ساز بود که اثرات درازمدتی را در پی داشت.

بعد از وفات شیخ عبدالحق محدث دهلوی - رحمه‌الله - و با گذر زمان این شیوه کار کم‌رنگ شد. ایشان در اواسط قرن یازدهم هجری غالباً در سال ۱۰۵۲، در سن ۹۴ سالگی درگذشتند و تقریباً پنجاه سال از عمر پربرت خویش را بعد از بازگشت از حرمین شریفین، و سال‌ها از آن را پیش از سفر به حرمین شریفین، در راستای ترویج علم حدیث صرف نمودند. قبلاً ذکر شد که در هند تحت تأثیر فضای علمی - فکری آسیای مرکزی، توجه خاصی به علوم عقلی می‌شد و گذشته از تعلیم منطق و فلسفه، علوم دینی نیز رنگ‌وبوی منطقی و فلسفی به خود گرفته بودند. ملا محب‌الله بهاری یکی از اصولیان

خویش را بر مسند مبارک درس قرآن و حدیث گذراند و تشنگان علوم قرآنی و نبوی را سیراب کرد. برنامه درس قرآن که امروزه در میان مردم شبه‌قاره رایج است، از برکات و آثار ایشان است. اگرچه ابتدا پدر بزرگ ایشان حضرت شاه عبدالرحیم این برنامه را شروع کرد و حضرت شاه‌ولی‌الله آن را ادامه داد، اما چون این حلقه‌های درس قرآن غالباً برای اهل علم بود و جنبه عمومی نداشت، توده مردم نمی‌توانستند از آنها استفاده کنند، تا این‌که شاه عبدالعزیز این روش را تغییر داد و به این جلسات جنبه عمومی بخشید تا ارتباط عموم مردم را با قرآن مستحکم سازد. در کلاس‌های درس ایشان که در هفته دوبار دایر می‌شد، هزاران نفر حتی شاهزادگان و درباریان حضور می‌یافتند. ایشان جهت فیض رساندن بیشتر به خاندان شاهان مغول، چند بار در دربار سلطنتی حضور یافت و در آنجا درس قرآن برگزار کرد که شخص پادشاه نیز در حلقه درس ایشان شرکت کرد.

شاه عبدالعزیز در کنار تدریس علوم قرآن و حدیث، آثاری را نیز در این زمینه‌ها تألیف کرد، از جمله دو کتاب در علم حدیث، یکی «بستان‌المحدثین» به زبان فارسی که در آن شرح حال محدثین و خدمات آنان بیان شده است، و چنین کاری در هند برای اولین بار به قلم ایشان انتشار یافته است. و اما کتاب دوم «عجالة نفاعه» است؛ در این کتاب به اختصار علوم حدیث و اصول آن بیان شده است و مدت‌ها به عنوان یک کتاب آموزشی در مدارس و مراکز آموزش علوم دینی تدریس می‌شده است.

شاه عبدالعزیز بعد از هفت دهه تدریس حدیث، در سال ۱۸۲۴م. وفات یافت و از آنجاکه همه برادران وی پیش از ایشان وفات کرده بودند، نوه ایشان شاه محمداسحاق دهلوی جانشین ایشان گردید. حضرت شاه محمداسحاق نیز چهل تا پنجاه سال در هند به تدریس حدیث پرداخت که هزاران نفر از مجلس درس ایشان بهره‌مند شدند و به اطراف و اکناف شبه‌قاره هند رفته و به ترویج علم حدیث پرداختند.

### علامه میان‌نذیر حسین محدث دهلوی

از میان شاگردان شاه محمداسحاق دهلوی، سه شخصیت بسیار بارزاند و از طریق آنان

چه انگیزه‌های بازگشت ایشان اصرار داشته است. ثمرات تلاش‌ها و کوشش‌های مستمر شاه‌ولی‌الله در زمینه احیای علم حدیث بیش از ۲۵۰ سال است که در شبه‌قاره هند مشاهده می‌شود.

شاه‌ولی‌الله در شبه‌قاره حلقه‌های درس حدیث دایر کرد، کلاس‌هایی در سطح بالا در علم حدیث تشکیل داد و تحت سرپرستی خود گروهی از متخصصین در فن حدیث را تربیت کرد و به جاهای مختلف هند فرستاد. مراکز تعلیمی ایجاد کرد و کتاب‌هایی در علم حدیث به زبان‌های عربی و فارسی تصنیف و تألیف کرد و روشی را در ترویج علم حدیث بنا نهاد که در نوع خود واقعا بی‌نظیر بود.

حضرت شاه‌ولی‌الله بعد از جمع‌آوری تمام ذخایر حدیث و مطالعه آنها، احادیثی را که در آنها اصول اساسی اسرار دین و فلسفه شریعت و احکام بیان شده بود، به شیوه‌ای تشریح کرد که روح کامل علوم نبوی را در مقابل خواننده مجسم می‌کند. ایشان این کار را در اثر بی‌نظیر «حجة‌الله‌البالغه» انجام داد. این کتاب گران‌سنگ به زبان عربی است و به زبان‌های اردو و انگلیسی ترجمه شده است. ترجمه فرانسوی آن نیز به قلم دکتر حمیدالله<sup>(۱)</sup> صورت گرفته، ولی متأسفانه تا حال چاپ نشده است.

شاه‌ولی‌الله «موطأ» امام مالک را به‌عنوان کتابی بنیادی در علم حدیث انتخاب و بر آن دو شرح نوشت؛ یکی «المسوی» به زبان عربی برای محققین و متخصصین، و دیگری «المصنفی» برای استفاده عامه مردم. شاه‌ولی‌الله از آن دسته از علما بود که «موطأ» را اصح‌الکتب بعد کتاب‌الله می‌دانستند. علاوه بر این، ایشان کتاب‌های دیگری نیز در علم حدیث نگاشتند که یکی از آنها «شرح تراجم ابواب البخاری» است.

### شاه عبدالعزیز دهلوی

از میان شاگردان حضرت شاه‌ولی‌الله محدث دهلوی، بارزترین آنان فرزند بزرگوار ایشان حضرت شاه عبدالعزیز دهلوی است. شاه‌ولی‌الله شصت و دو سال عمر کرد، اما شاه عبدالعزیز هشتاد و پنج سال عمر کرد و در زمان وفات پدر هجده یا نوزده سال بیشتر سن داشت و در همین سال فارغ‌التحصیل شده بود و تقریباً شصت و پنج سال از عمر پربرکت

مشهور هند است و کتابی به نام «مسلم‌الثبوت» دارد که از مشکل‌ترین کتاب‌هاست و شاید کتابی در علم اصول فقه مشکل‌تر از آن نباشد. اگر بخواهیم سه یا چهار کتاب مشکل در اصول فقه نام ببریم یکی از آنها مسلم‌الثبوت است؛ کما این‌که یکی از بزرگان با تعبیری خاص در مورد آن گفته است: «از خواندن این کتاب دندان‌ها هم عرق می‌کنند.» از این معلوم می‌شود که در آن دوره، علم اصول فقه و دیگر علوم دینی چه‌قدر تحت تأثیر علوم عقلی قرار داشتند و تحت تأثیر چنان فضایی، چنان‌که باید و شاید به علم حدیث توجه نمی‌شد.

### امام شاه‌ولی‌الله محدث دهلوی

پس از شیخ عبدالحق محدث دهلوی، کار احیا و ترویج علم حدیث به‌وسیله حضرت شاه‌ولی‌الله دهلوی ادامه پیدا کرد، چنان‌که هر پژوهشگر علم حدیث در شبه‌قاره هند، مرهون احسانات حضرت شاه‌ولی‌الله و تربیت‌یافتگان مکتب ایشان است. کسانی که در شبه‌قاره با علوم حدیث ارتباط دارند، نودونه درصد آنان مستقیماً به این سلسله وابسته‌اند.

شاه‌ولی‌الله محدث دهلوی ابتدا از محضر پدر بزرگوارش شاه‌عبدالرحیم دهلوی علوم حدیث را فراگرفت، همچنین از محضر محدث بزرگ حاج شیخ محمدافضل که در منطقه سیالکوت پنجاب به تدریس اشتغال داشت، کسب فیض نمود؛ سپس به مکه مکرمه رفت و از محضر محدث بزرگ شیخ ابوطاهر کردی به مدت یک سال علم حدیث را فراگرفت. شاه‌ولی‌الله از شخصیت شیخ ابوطاهر کردی چنان متأثر گردید که از بازگشت به هند منصرف شد و از شیخ ابوطاهر درخواست کرد اجازه دهد تا آخر زندگی در کنار ایشان باشد و این شعر را خواند: نَسِيتُ كُلَّ طَرِيقٍ كُنْتُ اَعْرِفُهٗ / اِلَّا طَرِيقًا يُوَدِّعُنِي اِلَى رِبْعِكُمْ (مَنْ تَمَامِ رَاهِائِي رَا كَه مِي شَنَاخْتَم، فَرَامُوش كَرْدِه‌ام، مِگَر رَاهِي كَه مَرَا بَه خَانَه شَمَا مِي رَسَانَد). شیخ ابوطاهر فرمود: عجله نکن و خوب فکر کن! بعد از چند روز فکر و استخاره شیخ ابوطاهر به ایشان گفت: نظر من این است که شما به هند بازگردید! شاه‌ولی‌الله سرانجام به امر شیخ ابوطاهر و با دلی ناخواسته حرمین شریفین را ترک گفته و به هند بازگشت. اگر به نتایج بازگشت شاه‌ولی‌الله دهلوی به هند توجه کنیم، مشخص خواهد شد که شیخ ابوطاهر با

سلسله روایت و تعلیم و ترویج حدیث در مناطق مختلف هند ادامه یافته است. یکی از آنان مولانا میان نذیرحسین محدث دهلوی [۱۲۲۵-۱۳۲۰ هـ.ق.] است که به شیخ‌الکل (ماهر در هر فن و استاد کل) مشهور است. شاه محمداسحاق چندی پس از انقلاب سال ۱۸۵۷م. به مکه مکرمه هجرت کرد و سرانجام در همان‌جا درگذشت. با هجرت شاه محمداسحاق به سرزمین حجاز، یکی از شاگردان برجسته ایشان که تا حد زیادی جانشینی ایشان را در هند به عهده گرفت، مولانا نذیرحسین دهلوی بود که خود شاگردان بسیاری را تربیت کرد. یکی از این شاگردان، علامه وحیدالزمان است که تقریباً تمام کتب حدیث را به اردو ترجمه کرده و در تاریخ زبان و ادبیات اردو برای اولین بار کتاب‌های صحیح بخاری، مسلم، ترمذی، موطأ امام مالک و برخی کتب دیگر حدیث به همت ایشان به اردو ترجمه شده است. [از آثار دیگر ایشان می‌توان تسبیح القاری شرح صحیح بخاری، شرح موطأ امام مالک (اردو)، شرح سنن نسایی، شرح صحیح مسلم و رفع العجابه شرح ابن ماجه را نام برد.]

شاگرد برجسته دیگر مولانا نذیرحسین دهلوی، علامه شمس‌الحق عظیم‌آبادی [۱۲۷۳-۱۳۲۹ هـ.ق.] است. اگر گفته شود که در زمان ایشان در شبه‌قاره هند محدثی بزرگ‌تر از ایشان وجود نداشته و اگر هم وجود داشته یک یا دو نفر بیشتر نبوده‌اند، سخن گزافی نیست. یکی از کارهای بزرگ و استثنایی ایشان نوشتن شرحی سی‌و‌دو جلدی بر سنن ابوداود به نام «غایة المقصود» است؛ اما متأسفانه این شرح به علل مختلفی چاپ نشد و زمانی که جلد اول آن چاپ شد، بعضی گفتند که این شرح طولانی را کسی نمی‌تواند بخواند و کسی نمی‌تواند آن را چاپ کند. از طرفی در آن زمان، هند تحت سیطره استعمار انگلیس قرار داشت و مسلمانان در فقر و تنگدستی بسر می‌بردند و کسی برای چاپ چنین کتابی کمک نمی‌کرد و نه توان کمک کردن داشت. ایشان به برادر کوچک‌تر و چند نفر از شاگردانش دستور داد که این کتاب را خلاصه کنند و این تلخیص به نام «عون‌المعبود» چاپ شد و امروزه به‌عنوان یکی از بهترین شرح‌های سنن ابوداود در دسترس علاقه‌مندان است. این کتاب چندین بار در بیروت، مصر و ... به

چاپ رسیده است. [از تصانیف دیگر ایشان می‌توان به التعلیق المغنی علی سنن دارقطنی (عربی) اشاره کرد.]

### علامه عبدالرحمن مبارکپوری

از شاگردان برجسته و از جانشینان علامه شمس‌الحق عظیم‌آبادی، علامه عبدالرحمن مبارکپوری [۱۲۸۳-۱۳۵۳ هـ.ق.] را می‌توان نام برد. ایشان یکی از محدثین طراز اول است و شرحی جامع بر کتاب ترمذی به نام «تحفة الأحوذی» نوشته است که می‌توان این شرح را برای ترمذی، همچون فتح‌الباری برای صحیح بخاری دانست. جامع ترمذی چنین شرحی به خود ندیده است و این یکی از کارهای بزرگ و بی‌نظیر علمای شبه‌قاره هند است که تمام دنیای اسلام به آن معترف است. «تحفة الأحوذی» در هند در پنج جلد، و در کشورهای عربی در پانزده تا شانزده جلد منتشر شده است.

من از عالم بزرگی اجازه روایت حدیث گرفتم که مستقیماً شاگرد علامه مبارکپوری بوده است، گویی من با یک واسطه از ایشان اجازه روایت حدیث دارم. بعضی از شاگردان مولانا مبارکپوری الان در قید حیات‌اند، از جمله مولانا امین‌احسن اصلاحی که یکی از مفسران بزرگ هند و از شاگردان ایشان در علم حدیث است.

مبارکپور یکی از روستاهای شهر اعظم‌گره هند است. من در سال ۱۹۸۲ فقط به نیت دیدار از این روستا به آنجا سفر کردم. مدرسه‌ای که علامه مبارکپوری در آن درس حدیث می‌داده، همچنان پابرجاست.

شاه محمداسحاق دهلوی شاگردان دیگری نیز داشتند که از آنها سلسله دیگری ادامه یافت. از میان آنها می‌توان از حضرت شاه ابوسعید مجددی نام برد که از نسل حضرت مجدد الف ثانی - رحمه‌الله - است.

شاگرد دیگر ایشان شاه عبدالغنی، استاد مولانا مملوک‌علی است. مولانا مملوک‌علی مدت مدیدی به تدریس حدیث اشتغال داشت. شاگردان مولانا مملوک‌علی دو دسته‌اند: دسته اول با مولانا محمدقاسم نانوتوی [۱۲۴۸-۱۲۹۷ هـ.ق.] و مولانا رشیداحمد گنگوهی [۱۲۴۴-۱۳۲۳ هـ.ق.] شناخته می‌شوند [که مکتب فکری دیوبند و دارالعلوم دیوبند را بنیان نهادند]. و دسته

دوم با سرسیداحمدخان شناخته می‌شوند [که دانشگاه علیگره را بنیاد نهاد].

### مولانا رشیداحمد گنگوهی و شاگردان ایشان

مولانا رشیداحمد گنگوهی تمام زندگی خویش را صرف تدریس حدیث کرد. امالی ایشان را - یعنی مباحثی را که در تشریح احادیث املا کرده‌اند - شاگردان ایشان جمع‌آوری و منتشر کرده‌اند. شرح ایشان بر صحیح بخاری «لامع الدراری» نام دارد.

از میان شاگردان مولانا رشیداحمد گنگوهی دو شخصیت از دیگران برجسته‌تراند، یکی مولانا محمدیحیی کاندهلوی [۱۲۸۸-۱۳۳۴ هـ.ق.] (پدر بزرگوار شیخ‌الحديث مولانا محمدزکریا کاندهلوی)، و دیگری مولانا خلیل‌احمد سهارنپوری [۱۲۶۹-۱۳۴۶ هـ.ق.] که شرحی پانزده جلدی به نام «بذل‌المجهود» بر سنن ابوداود نوشته است. این شرح هم یکی از بهترین شروح سنن ابوداود است که بعد از «غایة المقصود» و «عون‌المعبود» در درجه سوم قرار دارد. در این شرح بیشتر مسائل فقهی مورد بحث قرار گرفته‌اند و در عون‌المعبود مباحث روایت حدیث، لذا این دو شرح مکمل یکدیگراند.

[از شاگردان مولانا خلیل‌احمد سهارنپوری می‌توان از محدث فرزانه و فقیه وارسته مولانا ظفراحمد عثمانی [۱۳۱۰-۱۳۹۴ هـ.ق.] نام برد که تحت اشراف دایی بزرگوارش، حکیم‌الامت مولانا اشرف‌علی تهانوی، کتابی گران‌سنگ به نام «اعلاء‌السنن» در علم حدیث تدوین نمود و در آن مستدلّات حدیثی فقه حنفی را به شکلی بدیع و محققانه گردآوری کرد. به‌حق این کتاب دایرة‌المعارف حدیثی فقه حنفی است و تاریخ فقه احناف نظیر آن را به خود ندیده است. شیخ‌الحديث مولانا زکریا کاندهلوی، مؤلف کتاب مشهور فضایل اعمال، نیز از شاگردان مولانا خلیل‌احمد سهارنپوری است و آثار گران‌سنگی در علم حدیث دارد، از جمله «أوجز‌المسالک علی موطأ امام مالک» و «خصائل نبوی شرح شمائل ترمذی».

### مولانا انورشاه کشمیری

یکی از برجسته‌ترین شاگردان مولانا خلیل‌احمد سهارنپوری که از دیگر اساتید دارالعلوم دیوبند نیز استفاده کرده است، خاتم‌المحدثین علامه سیدانورشاه کشمیری

سوریه، مصر و ... چاپ و منتشر شده است.

### نَوَابِ صَدِیقِ حَسَنِ خَان

نَوَابِ صَدِیقِ حَسَنِ خَان در شهر بهوپال از شهرهای مرکزی هند [و مرکز ایالت مادیاپرادش] می‌زیست. ایشان در علم فقه و علم حدیث تخصص بسیار داشت و در زمینه «علم رجال» نیز آثاری از ایشان به جای مانده است.

صَدِیقِ حَسَنِ خَان با بیگم و ملکه بهوپال که بیوه بود، ازدواج کرد، و پس از این ازدواج، با عنوان «نَوَاب» ملقب شد [نَوَابِ عنوانی است که در گذشته به شاهزادگان و گاه به شاهان داده می‌شد]. با فراهم شدن این موقعیت برای نَوَابِ صَدِیقِ حَسَنِ خَان، امکانات بسیاری در اختیار ایشان قرار گرفت که وی از آنها در راستای خدمت به دین و علوم اسلامی استفاده کرد. ایشان با تأسیس یک مرکز تحقیقی بزرگ، بانی شکل‌گیری برنامه‌ها و خدمات علمی بسیاری شد. هم خودش به تولید آثار برجسته‌ای دست زد [از کتاب‌های ایشان در زمینه علم حدیث می‌توان از «عون الباری»، «نیل المرام»، و «قره العیون فی شرح سرور المحزون» در شش جلد، نام برد]. و هم پژوهشگران و نویسندگان دیگری را جذب و تربیت کرد و بر کارهای آنان در موضوعات مختلف اشراف داشت. در نتیجه این کوشش‌ها، آثار ارزشمند بسیاری در زمینه‌های مختلف علمی تولید شد که در میان آنها دهها اثر فقط در زمینه علوم حدیث بود. همه این آثار با سرمایه‌گذاری و حمایت مالی دولت ایالتی بهوپال چاپ و در سراسر هند منتشر شد. کوشش‌های نَوَابِ صَدِیقِ حَسَنِ خَان، رونق خاصی به علم حدیث در شبه‌قاره هند بخشید و برای مدت مدیدی بهوپال به یکی از مراکز ترویج علوم حدیث تبدیل کرد. ایشان همچنین از یکی از محدثین بزرگ دیار عرب به نام علامه علی بن محسن الیمانی دعوت کرد تا به بهوپال بیاید. این شخصیت برجسته با یک واسطه شاگرد امام شوکانی [۱۱۷۳-۱۲۵۰هـ.ق.] بود. امام شوکانی یکی از محدثین مشهور و معروف جهان اسلام است که از ایشان به عنوان آخرین محدث بزرگ یمن یاد می‌شود.

علامه علی بن محسن الیمانی به بهوپال آمد و سال‌ها در این دیار به تدریس علم حدیث پرداخت. پس از ایشان فرزندان

اینجا از یکی از محدثین بزرگ معاصر شبه‌قاره یاد شود که اثری گران‌بها در علم حدیث برای تشنگان علوم نبوت بر جای گذاشته است و آن شخصیت برجسته شیخ‌الاسلام علامه شبیراحمد عثمانی است. علامه شبیراحمد عثمانی شرحی عظیم به نام «فتح‌الملهم» بر صحیح مسلم به زبان عربی نوشت، اما اجل به ایشان مهلت نداد و این شرح بزرگ ناتمام ماند، تا این‌که بعد از سال‌ها محدث فرزانه و فقیه بلندپایه شیخ‌الاسلام علامه محمدتقی عثمانی با نوشتن «تکملة فتح‌الملهم» آن را به پایه تکمیل رساند. این شرح ابتدا در پاکستان و در حال حاضر از دمشق و بیروت چاپ و منتشر شده است.

### علمای فرنگی محل

فرنگی محل نام عمارت بزرگ و باشکوهی در لکهنو بود که جهانگیرشاه در دوران زمامداریش بر هند، آن را در اختیار بازرگانان انگلیسی گذاشت. در آن زمان انگلیسی‌ها به قصد تجارت به هند می‌آمدند و در مناطق مختلف مراکز تجاری دایر می‌کردند که یکی از آنها در شهر لکهنو قرار داشت و به محله‌ای که این مرکز تجاری در آن واقع بود، فرنگی محل می‌گفتند. زمانی که توطئه‌ها و اقدامات مشکوک بازرگانان انگلیسی برملا شد و دیگر قابل تحمل نبودند، اورنگ‌زیب عالمگیر، پادشاه وقت، آنها را از این عمارت بیرون کرد و آن را در اختیار ملا نظام‌الدین سنهالوی گذاشت تا در آنجا مرکزی برای آموزش علوم اسلامی تأسیس کند. این‌گونه عمارت فرنگی محل به آموزشگاهی برای فراگیری علم تبدیل شد و دانش‌آموختگان این مدرسه به علمای فرنگی محلی مشهور شدند. این مرکز علوم دینی، منشأ خدمات شایانی به علم حدیث شد. یکی از دانش‌آموختگان برجسته این مدرسه عالی، محقق بلندآوازه، علامه عبدالحی لکهنوی است. ایشان کارهای بزرگی را در زمینه علم حدیث سامان دادند که بنده در اینجا فقط نام دو اثر از آثار ایشان را ذکر می‌کنم؛ یکی «التعلیق‌الممجد علی موطأ امام محمد بن حسن شیبانی»، و دیگری «الرفع و التکمیل فی الجرح و التعذیل» که یکی از بهترین کتاب‌ها در فن جرح و تعدیل است. «الرفع و التکمیل فی الجرح و التعذیل» در کشورهای مختلف از جمله هند، پاکستان،

[۱۲۹۲-۱۳۵۲هـ.ق.] است. شخصیتی که گفته می‌شود در میان علمای دیوبند محدثی بزرگ‌تر از ایشان پیدا نشده است. یقیناً علامه سیدانورشاه کشمیری بزرگ‌ترین نماینده علمای دیوبند در علم حدیث است. همه دانش‌آموختگان دارالعلوم دیوبند که در نیمه اول قرن بیستم به علم حدیث خدمت کردند، از شاگردان مولانا انورشاه کشمیری بودند. این افراد در کنار یکدیگر و در عرصه‌های مختلف علم حدیث، خدمات شایانی را به انجام رساندند و بر کتاب‌های حدیث شرح نوشتند. کوشش‌های آنان در این زمینه به قدری گسترده و جامع است که در قرن بیستم نمی‌توان برای آن نظیری نه تنها در شبه‌قاره بلکه در تمام دنیای اسلام پیدا کرد.

تشریح‌ها و دیدگاه‌های علمی علامه کشمیری در تدریس صحیح بخاری، در اثری با نام «فیض الباری» و به کوشش شاگرد برجسته ایشان مولانا بدرعالم گردآوری شده است. تعلیقات و یادداشت‌های ایشان بر جامع ترمذی، به همت شاگرد فرزانه و صاحب‌نظر ایشان مولانا محمدیوسف بنوری - که استاد بنده نیز بوده‌اند - مرتب و با نام معارف‌السنن چاپ شده است. شاگرد دیگر ایشان مولانا محمدچراغ از اهالی گجرانواله، براساس املاهای مولانا کشمیری در تدریس جامع ترمذی، شرحی با عنوان «العرف الشذی» تدوین کرد.

مولانا انورشاه کشمیری شاگرد دیگری به نام مولانا اشفاق‌الرحمن داشت که از اساتید مولانا مودودی است. مولانا اشفاق‌الرحمن دو شرح بر کتب حدیث نوشت، یکی شرحی بر جامع ترمذی که تا حال چاپ نشده است و دیگری شرحی بر موطأ امام مالک که چندین بار در پاکستان چاپ شده و یکی از شروح مختصر و جامع موطأ امام مالک است.

همچنین مولانا احمدرضا بجنوری، شاگرد و داماد علامه کشمیری، املاهای ایشان را بر کتاب صحیح بخاری جمع‌آوری و در هیجده جلد به زبان اردو و با نام «انوارالباری» منتشر کرده است.

[از دیگر شاگردان علامه کشمیری، شیخ‌الحديث مولانا محمدادریس کاندهلوی را می‌توان نام برد که اثر ارزشمندی در علم حدیث به نام «التعلیق‌الصیحیح شرح مشکوٰۃ‌المصابیح» دارد. همچنین لازم است در

## بینوشت‌ها:

۱. سفیر اسلام و امین میراث فرهنگی اسلام در جهان غرب؛ پروفیسور محمد حمیدالله حیدرآبادی. پروفیسور محمد حمیدالله، در ۱۶ محرم ۱۳۳۶ هجری ۹ فوریه ۱۹۰۸ میلادی در ایالت/حکومت پیشین حیدرآباد دکن، سرزمینی که بیش از ۲۰ میلیون نفر جمعیت و مساحتی به بزرگی کشور ایتالیا داشت و توسط خاندان آصف‌جاهی (۱۷۲۴-۱۹۴۸) اداره می‌شد، در خانواده‌ای اهل فضل به دنیا آمد. نسب این خانواده به قبیله «نوائط» می‌رسد که تیره‌ای از قریش است و بر اثر ظلم و استبداد حجاج مدینه را به قصد بصره ترک کرد و در قرن هشتم هجری از آنجا به هند مهاجرت کرد. وی کوچک‌ترین عضو خانواده‌ای بود که سه برادر و پنج خواهر بودند. دکتر حمیدالله در حیدرآباد در دبیرستان دارالعلوم و جامعه نظامیه دانش آموخت و از سال ۱۹۲۴ به بعد در دانشگاه عثمانیه به ادامه تحصیل پرداخت و مدرک لیسانس و فوق‌لیسانس را در رشته حقوق از این دانشگاه دریافت کرد. وی به قصد تحقیق در کتابخانه‌ها و آرشیوها به کشورهای اسلامی خاورمیانه و شمال آفریقا سفر کرد. در سال ۱۹۳۴ رساله دکترای خود را در دانشگاه سوربن پاریس به زبان فرانسوی با عنوان «La Diplomatie Musalmane d. I, epoche du Prophete de I, Islam et sees d. I, epoche Caliphs Orthodoxes» ارائه کرد و از این دانشگاه مدرک دکترا گرفت. این اثر گران‌سنگ در غربی با عنوان «مجموعه الوثائق السياسية للعهده النبوی و الخلافة الراشدة» منتشر شده است؛ ترجمه فارسی آن نیز تحت عنوان «وثائق؛ نامه‌های حضرت ختمی مرتبت و خلفای راشدین» با ترجمه دکتر محمود مهدوی دامغانی در تهران چاپ و منتشر شده است.

ایشان در سال ۱۹۳۵ به حیدرآباد بازگشت و در دانشکده حقوق دانشگاه عثمانیه به تدریس حقوق بین‌الملل مشغول شد و سپس ریاست دانشکده را به دست گرفت. در اگست ۱۹۴۸ پس از آن که شبه‌قاره هند از استعمار انگلیس استقلال یافت، به همراه هیئت رسمی از سوی حکومت حیدرآباد دکن عازم سازمان ملل شد تا موضوع استقلال این منطقه را در آنجا مطرح کند، اما این مهم تحقق نیافت و ارتش هند در دوران نخست‌وزیری جواهر لعل نهرو و با محاصره این منطقه و یورش نظامی آن را به تصرف خود درآورد و بخشی از کشور هند اعلام کرد. پروفیسور محمد حمیدالله که قبل از سقوط دولت حیدرآباد برای انجام مأموریتی به فرانسه اعزام شده بود، با تصرف این منطقه توسط دولت هند، نتوانست این وضع را تحمل کند و تصمیم گرفت در فرانسه بماند. او شهروندی هند را نپذیرفت و با سندی که حکومت حیدرآباد برای او صادر کرده بود مسافرت می‌کرد. سرانجام این حکومت در سپتامبر ۱۹۴۸ ضمیمه هند شد و بدین ترتیب برکه عبوری بی اعتبار شد و دولت فرانسه به او پناهندگی داد. برکه عبوری که مسئولین فرانسوی به او دادند، به او اجازه اقامت بیش از پنج‌ماه در خارج از فرانسه را نمی‌داد. او هرگز ازدواج نکرد، زیرا نمی‌خواست همسرش را در معرض چنین محدودیتی قرار دهد. در اوایل دهه ۱۹۵۰ در تدوین نخستین قانون اساسی اسلامی برای پاکستان تلاش کرد، اما بر اثر اختلاف نظرهایی از این کار استعفا داد و به پاریس مراجعت کرد.

دکتر حمیدالله در تحقیقات مربوط به حقوق بین‌الملل اسلامی و حقوق قانون اساسی اسلامی دانشمندی شناخته شده بود. وی مدت ۲۴ سال (۱۹۵۴-۱۹۷۸) به عنوان محقق در مرکز علمی تحقیقات علمی فرانسه (CNRS) اشتغال داشت. ایشان در دوران اقامتش در پاریس مجله «اسلام در فرانسه» را منتشر کرد، همچنین دبیر کلی «جمعیت الصداقة الاسلامیه» را به عهده

فی رجال البخاری و مسلم».

علاوه بر این آثار بیست و پنج الی سی عنوان کتاب دیگر نیز در زمینه علم حدیث برای اولین بار توسط این مرکز و بر اساس نسخ خطی احیا گردید و به دست جهانیان رسید؛ لذا نباید در تاریخ علم حدیث در شبه‌قاره هند، خدمات این مرکز را نادیده گرفت.

آنچه تا اینجا ذکر شد، بررسی گذرا و مختصر تاریخ علم حدیث در شبه‌قاره هند بود. در پرتو این بحث روشن شد که در قرون اخیر تلاش‌های منسجم و گسترده امام شاه ولی الله محدث دهلوی و سپس فرزندان و شاگردان ایشان در ترویج علم حدیث، آثار و برکات بسیاری را به همراه داشت و فیض آن برای همیشه جاری گشت، چنان‌که همه دانش پژوهان، علما و اساتید علم حدیث در شبه‌قاره هند و سرزمین‌های اسلامی اطراف آن، سند علمی‌شان از طرق مختلف به امام شاه ولی الله دهلوی می‌رسد و در واقع همه آنان از شاگردان و فیض یافتگان مکتب ولی اللهی هستند.

امام شاه ولی الله دهلوی دو هدف اساسی را دنبال می‌کرد؛ نخست این که چگونه می‌شود اُمت اسلامی در عرصه اندیشه و عمل، بر روی یک مانیفست فکری و برنامه کاری و خط‌مشی عملی مجتمع و یکپارچه شود و عوامل و انگیزه‌های چنددستگی و عدم وحدت از بین برود؛ دوم این که چگونه می‌شود اختلافات فکری و مسلکی و تنوع آرا در جوامع اسلامی با حدیث نبوی و سنت رسول الله - صلی الله علیه و سلم - هماهنگ شود و فراگیری علم حدیث چنان گسترش یابد که اختلاف‌ها در چارچوب‌های مجاز آن محدود گردد و از آن خارج نشود. از این جهت، بنده به دانش پژوهان و علما توصیه می‌کنم که کتاب‌های امام شاه ولی الله دهلوی را در برنامه مطالعاتی خویش قرار دهند. خصوصاً بر مطالعه «حجة الله البالغة» تأکید می‌کنم. این کتاب دو بخش دارد: بخش نخست بر مباحث دقیق و ژرفی مشتمل است که برای درک آنها به دقت نظر بسیار نیاز است؛ بخش دوم نیز دربرگیرنده مباحث مربوط به علم حدیث و دروس و حکمت‌های مستنبط از احادیث نبوی است. با مطالعه این کتاب و درک مطالب آن، میل همگرایی (accommodative tendency) جهت تلاش برای یکپارچگی اُمت اسلامی در اذهان بارور می‌شود؛ آرمانی که همه تلاش‌های امام شاه ولی الله دهلوی بر روی آن متمرکز بود و آرزوی تحقق آن را داشت. ♦

و نوادگان ایشان نسل اندر نسل در بهوپال به تدریس و ترویج علم حدیث ادامه دادند و علما و شخصیت‌های بسیاری از آنها کسب فیض کردند. در دارالعلوم ندوة العلماء کسانی که بر مسند تدریس علم حدیث نشستند، از شاگردان مستقیم یا بالواسطه علامه علی بن محسن الیمانی بودند، از آن جمله مولانا حیدر حسن خان که اکثر دانش‌آموختگان دارالعلوم ندوة العلماء در علم حدیث شاگرد ایشان بودند.

مرکز دائرة المعارف عثمانیه<sup>(۱)</sup>

آنچه بیان شد مختصری از تاریخ علم حدیث و کوشش‌های محدثین در شبه‌قاره بود. در پایان مناسب است از یک مرکز علمی - پژوهشی علوم اسلامی یاد کنیم که در زمینه علم حدیث کارهای زیادی را سامان داده است. این مرکز [در اواخر حکمرانی پادشاهان مسلمان در هند] در حکومت محلی حیدرآباد دکن و با حمایت فرمانروای وقت آن تأسیس شد، و با انتصاب به میر عثمان علی خان از فرمانروایان سلسله آصف‌جاهی حیدرآباد، به دائرة المعارف عثمانیه شهرت یافت. به همت پژوهشگران این مرکز و تلاش جهت دستیابی به نسخ خطی و کار روی آنها، ده‌ها کتاب در زمینه علم حدیث چاپ و منتشر شد که بسیاری از این کتاب‌ها، برای اولین بار انتشار عمومی می‌یافت و در اختیار مشتاقان علم حدیث قرار می‌گرفت. برخی از این آثار عبارت‌اند از:

- ۱- «الكفاية في علم الرواية» نوشته علامه خطیب بغدادی؛
- ۲- «لسان المیزان» و «تهذیب التهذیب» که از کتاب‌های مشهور علم رجال و از آثار گران‌بهای علامه ابن حجر عسقلانی‌اند؛
- ۳- «المؤتلف و المختلف» اثر حافظ ابن ماکولا و از کتاب‌های جامع علم رجال که نویسنده در آن نام‌های مشابه روایان را جمع‌آوری و شخصیت آنها را تبیین کرده است تا در شناخت آنها اشتباه و التباسی پیش نیاید. این اثر در چندین جلد و برای اولین بار توسط دائرة المعارف عثمانیه چاپ و منتشر شده است.

همین‌طور در موضوع رجال‌شناسی کتب حدیث، آثاری دیگری جهت شناخت رجال صحیح بخاری، رجال صحیح مسلم و برخی دیگر از کتب حدیث برای اولین بار از سوی این مرکز چاپ و منتشر شد از جمله «کتاب الجمع بین کتابی ابی نصر الکلابلادی و ابی بکر الإصفهانی

نگذاشته‌است.

پس از ترخیص از بیمارستان بنا به درخواست و اصرار شدید نوه پسر بزرگش، خانم سدیدة عطاءالله، که مقیم شهر جاکسلوانیای ایالت فلوریادی آمریکا و خود نیز شخصیتی علمی و فعال در عرصه دعوت و اصلاح اسلامی بود و با اطلاع از بیماری ایشان به پاریس آمده بود، جهت معالجه و زندگی در کنار نوه‌اش به آمریکا رفت و شش سال آخر زندگی را در آنجا گذراند.

پروفسور محمدحمیدالله، پس از عمری فعالیت و مجاهدت، ۱۳ شوال ۱۴۳۳ق. / ۱۷ دسامبر ۲۰۰۲ میلادی در سن ۹۴ سالگی در ایالت فلوریادی آمریکا چشم از جهان فرو بست. خبر وفات این شخصیت برجسته، بازتاب وسیعی در جهان اسلام به خصوص محافل دینی و علمی داشت. نماز جنازه به امامت شاگرد برجسته ایشان و دعوتگر اهل ترکیه، دکتر یوسف ضیاء قاوقچی، اقامه شد و پیکر پاک ایشان در قبرستان شهر جاکسلوانیای ایالت فلوریدا به خاک سپرده شد. «رحمة الله رحمة واسعة، و أمطر علی مئوہ شایب الرحمة و المغفرة، و أسکنه فسیح جنات العلی».

۲. مرکز دائرةالمعارف عثمانیه: در سال ۱۲۶۷ شمسی در زمان فرمانروایی نظام ششم میرمحبوبعلی خان و با وساطت و همفکری حافظ محمدانوارالله خان مسئول جامعه نظامیه شهر حیدرآباد و مولانا عبدالقیوم، مؤسسه‌ای به نام دائرةالمعارف در شهر قدیم نزدیک مسجد چوک بنا شد. از آن تاریخ به بعد اعضای این پژوهشگاه با فعالیت کامل تحت ریاست نواب وقارالملک کار را شروع کردند و تا زمان مرگ نظام ششم در سال ۱۲۹۰ شمسی در حدود ۳۰ نسخه نادر و نایاب خطی را چاپ کردند و با دقت نظر و موشکافی بعد از تصحیح و تعلیق و حاشیه‌نویسی آن را منتشر کردند. از جمله این کتاب‌ها کنز العمال شیخ علی متقی در ۸ مجلد، تذکره الحافظ امام شمس‌الدین ذهبی در ۴ مجلد، استیعاب ابن طریبی در دو مجلد و مسند ابی داود می‌باشد. این کار در سال‌های بعد ادامه یافت و دوران فرمانروایی میرعثمان‌علی خان یکی از دوران‌های طلایی نشر کتب نفیس اسلامی بود. در مؤسسه دائرةالمعارف عثمانیه بخشی به نام دارالتصحیح وجود دارد که در آن دانشمندان و پژوهشگران کار تصحیح نسخه‌های نادر را انجام می‌دهند. در سال ۱۳۵۲ شمسی این مؤسسه با توافق دانشمندان سوری، مصری، حجازی، عراقی و مستشرقین اروپایی برنامه‌ای را تنظیم نمود که بر اساس آن ۱۴۰ کتاب نادر در زمینه‌های مختلف علوم و هنر که اهمیت فوق‌العاده‌ای داشتند، توسط این مرکز تصحیح گردیده و به چاپ رسیدند. این مؤسسه یکی از مؤسسات فرهنگی معروف و شناخته‌شده در سطح بین‌المللی و در حال حاضر زیرمجموعه دانشگاه عثمانیه است که به اعتراف دانشمندان خدلمات بزرگی را به جهان اسلام ارائه کرده است.

دانشگاه عثمانیه حیدرآباد نیز از قدیمی‌ترین دانشگاه‌های جهان محسوب می‌شود. این دانشگاه در سال ۱۲۹۷ هجری شمسی توسط میرعثمان‌علی خان، آخرین حاکم سلسله آصف‌جاهی، تأسیس شد و در حال حاضر از ظرفیت پذیرش ۱۵۰ هزار دانشجو برخوردار است. این دانشگاه در تمام رشته‌های تحصیلی در گروه‌های ریاضی، تجربی، انسانی و هنر برای مقاطع لیسانس تا دکتری دانشجو می‌پذیرد.

ساختمان کتابخانه مرکزی دانشگاه عثمانیه که خود یکی از ابنیه تاریخی شهر حیدرآباد است، علاوه بر دارا بودن هزاران جلد کتاب علمی، بیش از ۸ هزار کتاب خطی را نیز در خود جای داده که از این تعداد نزدیک به ۵ هزار جلد آن نسخ خطی فارسی است.

تألیفات: ۱. فهرست ترجمه‌های قرآن کریم (عربی)، ۲. الوثائق السياسية للعهد النبوی و الخلافة الراشدة، ۳. غزوات پیامبر، وی برای نگارش این کتاب، تمامی نقاطی را که این نبردها در آن اتفاق افتاده بود با پای پیاده پیمود تا بتواند صحنه‌های مورد نظر را حتی الامکان واقع‌بینانه توصیف کند. ۴. تعلیم و تربیت در زمان پیامبر (عربی)، ۵. آیا قانون اسلامی از قانون روم تأثیر پذیرفته است؟ (عربی)، ۶. معرفی اسلام (عربی)، ۷. خطبات بهاولپور (اردو)، ۸. زندگی پیامبر اسلام (فرانسوی)، ۹. چرا روزه می‌گیریم؟ (فرانسوی)، ۱۰. فن نویسندگی در زمان پیامبر (اردو-فرانسوی)، ۱۱. شش نامه دیپلماتیک پیامبر (فرانسوی)، ۱۲. نگاهی تطبیقی به ارتباط بین قانون اسلامی و قانون رومی (اردو)، ۱۳. امام ابوحنیفه و تدوین فقه اسلامی (انگلیسی-اردو).

تحقیق، نشر و چاپ نسخه‌های خطی: ۱. صحیفه همام بن منبه، ۲. سیره ابن اسحاق، ۳. السیر الکبیر للإمام محمد الشیبانی، ۴. کتاب الرده للواقفی، ۵. رسالت لاین حبیب، ۶. أنساب الأشراف للبلاذری، ۷. کتاب الأئمة فی مواسم العرب لابن قتیبہ، ۸. کتاب النبات لأبی حنیفه الدینوری، ۹. کتاب المعتمد فی أصول الفقه للفاضی أبی الحسن البصری، ۱۰. کتاب الذخائر و التحف للغسانی، ۱۱. کتاب السردو الفردی صحائف الأخبار و نسخها المنقولہ عن سید المرسلین لأبی الخیر القزوی، ۱۲. کتاب معدن الجواهر بتاریخ البصره و الجزائر لاین العراق. نسخه‌های خطی مذکور، برای اولین بار در عصر حاضر به کوشش ایشان تصحیح و تحقیق و منتشر شده‌اند.

مقالات علمی: از ایشان ۴۳ مقاله علمی و تحقیقی به جا مانده است که در مجلات معتبر علمی از جمله مجله «المجمع العربی العلمی» دمشق، مجله «معهد المخطوطات» قاهره، مجله «الفکر و الفن» هامبورگ آلمان، مجله «المسلمون» ژنو سوئیس، مجله «البعث الاسلامی» ندوة العلماء لکهنو هند، مجله «الدراسات الاسلامیه» دانشگاه اسلامی بین‌المللی اسلام‌آباد پاکستان، و دیگر مجلات علمی دنیا چاپ و منتشر شده است.

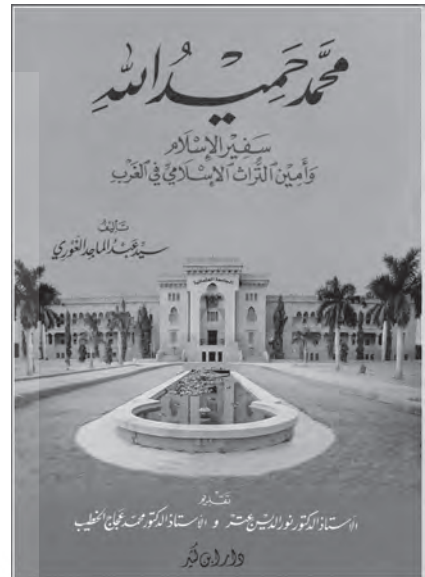
مطابق یک برآورد، دکتر حمیدالله قادر بود به بیست و دو زبان تکلم کند. وی زبان تایلندی را در ۸۵ سالگی آموخت. یکی از شاگردانش می‌گوید: «آنچه مرا بیش از همه شگفت زده ساخت، توانایی وی در فراگیری زبان‌های خارجی بود. هنگامی که برای فراگیری درس به خانه‌اش می‌رفتم، او مشغول آموختن زبان اندونزیایی بود. من غالباً معلمی اندونزیایی را در اتاقش می‌دیدم. او به من می‌گفت که دوست دارد همه زبان‌های جوامع اسلامی را فراگیرد تا بتواند کتاب‌های آنان را درباره اسلام به زبان خودشان بخواند، به‌ویژه آن که ترجمه چنین کتاب‌هایی به زبان‌های بین‌المللی غالباً موجود نیست».

بجز اردو که زبان مادری‌اش بود، زبان‌های شرقی دیگری که وی بدان‌ها تسلط داشت عبارت بودند از: عربی، فارسی و ترکی. از زبان‌های غربی به انگلیسی، فرانسه، آلمانی و ایتالیایی تسلط داشت.

پروفسور محمدحمیدالله تا سال ۱۹۹۶ در فرانسه اقامت داشت. در ماه رمضان همین سال در حالی که در مسجد جامع پاریس معتکف بود، بر اثر بالا رفتن فشار خون دچار بیهوشی و فوراً به بیمارستان منتقل شد. بیهوشی چهار روز ادامه یافت تا جایی که پزشکان از ادامه حیات ایشان قطع امید و با اجازه خانواده ایشان دستگاه‌های تنفسی را جدا کردند تا ایشان در آرامش وفات کند؛ اما وی در روز چهارم به طرز اعجاز‌آمیزی به هوش آمد و تقاضای افطار کرد و گفت که روزهای باقیمانده را نیز روزه خواهد گرفت، زیرا از آن سالگی تا به حال حتی یک روز از ایام رمضان را بدون روزه پشت سر

داشت و با همکاری دکتر صبحی صالح این مرکز اسلامی را برای معرفی اسلام به غیرمسلمانان تأسیس کرد. دکتر حمیدالله در طول اقامت در پاریس با تألیف و تصنیف و ارائه سخنرانی‌های علمی در جوامع اروپایی به ترویج دین اسلام می‌پرداخت و درس‌های هفتگی‌ای را در دانشگاه پاریس برای اصلاح جوانان مسلمان و کسانی که تازه به دین اسلام مشرف می‌شدند برگزار می‌کرد که در نتیجه این تلاش‌ها هزاران نفر به دین اسلام مشرف شدند. به گفته شیخ عجاج الخطیب الحسنی بیش از سی هزار نفر توسط ایشان مسلمان شده‌اند. برخی از این افراد از اندیشمندان و پژوهشگران برجسته و صاحب‌نام جهان هستند.

دکتر حمیدالله در دانشگاه‌های مختلف دنیا از جمله فرانسه، آلمان، مصر و پاکستان تدریس می‌کرد، همچنین استاد مدعو در دانشگاه استانبول بود و مدت بیست و پنج سال (هر سال سه ماه) به عنوان استاد مهمان به ترکیه سفر می‌کرد و در این مدت دانشجویان بسیاری را تربیت کرد. از مهم‌ترین



دانشجویان ایشان در ترکیه می‌توان از دکتر صالح طوخ، دکتر یوسف ضیاء قاوقچی، اندیشمند و پژوهشگر صاحب‌نام دکتر فؤاد سزگین و دکتر اکمل الدین احسان اوغلو (دبیر کل فعلی سازمان کنفرانس اسلامی) نام برد. ایشان همچنین یکسال به عنوان استاد مهمان دانشگاه ملی مالزی برای ارائه سخنرانی‌های علمی در دپارتمان ادیان این دانشگاه دعوت بود.

دکتر حمیدالله در سال ۱۹۵۹ ترجمه‌ای از قرآن مجید به زبان فرانسوی منتشر کرد که از آن زمان تاکنون بارها چاپ شده است. مقاله ایشان تحت عنوان «تاریخ قرآن کریم» که همراه با ترجمه و تفسیرش آمده پژوهشی مهم و درخور توجه است. دکتر حمیدالله تنها مترجمی است که قرآن مجید را به سه زبان بین‌المللی فرانسوی، آلمانی و انگلیسی ترجمه و تفسیر کرده است. ترجمه آلمانی ایشان تا سوره انعام و ترجمه انگلیسی با ترجمه سوره بقره متوقف شده و به دلیل مشغولیت زیاد ایشان به پایه تکمیل نرسید. ترجمه انگلیسی در سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۵ در مجله «الهادی الامین» انگلیسی در شهر دوربان آفریقای جنوبی منتشر می‌شد.

به قلم ایشان بیش از ۲۵۰ کتاب و مقاله به زبان‌های عربی، اردو، انگلیسی، فرانسه و آلمانی منتشر شده است که برخی از مشهورترین این آثار عبارت‌اند از: